

ادبیات  
جہان



# کلاس تشریح ڈکٹر تولیب

نینا سیگل | علی جمالی پور

سرشناسه: سیگل، نینا، ۱۹۶۹ - م.

-Siegal, Nina, 1969

عنوان و نام پدیدآور: کلاس تشریح دکتر تولپ

نویسنده: نینا سیگل؛ مترجم: علی جمالی پور.

مشخصات نشر: تهران: نشر خوب، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.

شابک: ۹۷۸۰۶۲۳۰۷۳۲۵-۴۵-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فهرست‌شده

یادداشت عنوان اصلی: [The anatomy lesson, a novel, 2014].

موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۱

موضوع: American fiction--21st Century

شناسهٔ افزوده: جمالی پور، علی، ۱۳۶۰، مترجم

رده‌بندی کنگره: PS۳۶۱۲

رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۶

شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۷۳۹۰۹۷۲

۹۰۴۶۵۰۱

## کلاس تشریح دکتر تولپ

نویسنده: نینا سیگل  
مترجم: علی جمالی پور  
ویراستار ادبی: قاسم مؤمنی  
ویراستار فنی: فریدالدین سلیمانی  
طراح یونیفرم جلد و گرافیک متن: محمد منصورقناعی  
طراح جلد: ابراهیم کاشانی  
آماده سازی و صفحه آرایی: مینا فیضی - سجاد قربانی  
مشاور فنی چاپ: حسن مستقیم  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۲۵-۴۵-۱  
نوبت چاپ: اول-۱۴۰۱  
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه  
ناشر: انتشارات و چاپ: مجتمع چاپ پرسیکا  
مخالف: تبرگان  
قیمت: ۷۵۰۰ تومان



www.khoobb.com  
info@khoobb.com  
۰۲۱ - ۶۳۵۶۲

## ■ یادداشت نویسنده

از کودکی با درس کالبدشکافی دکتر نیکلاس تولپ، شاهکار رامبرانت، آشنا بودم، چون به دیوار اتاق کار پدرم آویخته شده بود. در دوره کارشناسی ارشد، تکلیفی که در یکی از درس‌های گروهی به من واگذار شد، «خوانش» یک اثر نقاشی بود؛ به این معنی که از روایت درونی آن گره‌گشایی کنم. انتخاب اثر با خودمان بود. همان طور که استاد اسلاید گزینه‌های احتمالی را نشان می‌داد، تابلوی رامبرانت بر پرده نمایان شد و با خودم گفتم: همین! بالاخره داستان واقعی پشت این نقاشی را کشف می‌کنم. با نیت نوشتن رمانی دربارهٔ مرد مردهٔ درون نقاشی، آدریان آدریانسون یا آریس کینت، وارد آمستردام شدم. کمک هزینهٔ پژوهشی گرفته بودم تا دربارهٔ آن دوره مطالعه کنم، در خیابان‌ها راه بروم و مناظر دنیای رامبرانت را با تمام وجود لمس کنم. در خانه‌ای ساخت ۱۶۲۴ ساکن شدم و در دفتری کار می‌کردم که روزی انبار

کمپانی هند غربی بود. تلق تلق سم اسبها بر سنگ فرش کوچه پس کوچه های مرکز قدیم شهر، مملو از گردشگرانی که اگر چشم تیز کنید، بازرگان اند یا جاشو. و دریایگانی آمستردام، پرونده جرایمی را پیدا کردم که دزد سابقه داری به نام آریس کینت مرتکب شده بود.

بعد از ظهر روزی که در موزه مائوریتس هاوس لاهه روبه روی اصل تابلوی رامبرانت نشسته بودم، به جسد نیمه عریان روی میز تشریح نگاه کردم و با خود اندیشیدم: کسی این تن را دوست می داشته و این بدن را لمس می کرده، پیش از آنکه کانون توجه درس کالبدشناسی شود؛ کسی که بی شک زنی بوده و نامش را فلورا گذاشتم. داستان من از همین جا آغاز شد.